

## کتابخانهء وقفی شیخ الاسلام خویی (۱)

### \* علی صدراپی خویی

نویسنده مقاله در پی معرفی کتابخانه وقفی شیخ الاسلام خویی می باشد ولی برای روشن نمودن اذهان خوانندگان، ابتدا به معرفی شهر خوی پرداخته و سپس چهار حوزه علمیه این شهر را نام برده و به معرفی حوزه علمیه نمازی و آیه الله نمازی و چهار تن از خاندان ایشان به نامهای شیخ محمد جعفر، شیخ عبدالوهاب، ملا محمد نمازی و ملا محمدرضا پیشنهاد می پردازد.

در این مقاله، کتابخانه مدرسه و شیخ الاسلام خویی و چهارده تن از خاندان ایشان به نامهای فتح الله شریف حسینی، مولی فتح علی بن فتح الله خویی، مولی اسماعیل بن فتح الله خویی، فتحعلی بن اسماعیل خویی، مولی علی نقی خویی، مولی محمد خویی، محمد تقی خویی، علی نقی بن ابراهیم خوئی، فتح الله بن ابراهیم شریف حسینی خوئی، احمد خویی، آقا محمدرضا بن فتح الله شریف حسینی خویی، آقا محمد حسن شریف حسینی، آقا محسن شریف حسینی، آقا فتح الله حسینی معرفی می گردند.

نویسنده در پی آن است که در مقاله شماره بعد به معرفی کتابهای کتابخانه بپردازد.

### کلید واژه ها :

شهر خوی - مدرسه علمیه شهر خوی - حوزه علمیه نمازی - مسجد نمازی -  
شیخ الاسلام نمازی - خاندان شیخ الاسلام  
\* فهرست نگار و پژوهشگر نسخه های خطی



## در آمد

شهر خوی یکی از شهرهای فرهنگی مهم ایران زمین است در این شهر واقفان خیر خواه برای تقویت فرهنگ دینی حوزه های علمیه متعددی را وقف و تاسیس نموده اند یکی از این مدارس دینی کهن شهر خوی مدرسه نمازی است این مدرسه در طی بیش از دو قرن و نیم فعالیت علمی و فرهنگی خود دانشمندان زیادی را پرورش و به جامعه علمی تحویل داده است.

در کنار تدریس و تحصیل علوم در این مدرسه، کتابخانه ای توسط عالمان شهر در سال ۱۳۶۵ ق به صورت وقفی تاسیس گردید که تاکنون بیش از نیم قرن در این شهر دائر بوده و مورد استفاده دانشمندان و دانش پژوهان قرار گرفته است. با تاسیس و شکوفایی کتابخانه مدرسه نمازی عالمان مهم شهر کتابخانه های خود را که حاوی کتابهای مهم خطی و چاپی بوده به این کتابخانه وقف نمودند که از این رهگذر گنجینه ای نفیس از متون کهن و آثار نایاب و کمیاب در این کتابخانه فراهم گردید. در این مقاله کتابخانه شیخ الاسلام خوبی که یکی از کتابخانه های مهم وقف شده بر مدرسه نمازی خوی معرفی می باشد، در سه بخش معرفی می گردد.

بخش نخست : این بخش شامل

چند مطلب است : معرفی مدرسه نمازی خوی، آیت الله شیخ محمد نمازی واقف و موسس مدرسه نمازی و خاندان علمی وی، شیخ الاسلام خوبی و عالمان خاندان او ؛ بخش دوم : معرفی کتابخانه شیخ الاسلام خوبی و گزارشی از ۶۸ کتاب باقیمانده از کتابخانه وی به ترتیب الفبا از الف تا طاء ؛

بخش سوم : معرفی ۴۵ اثر دیگر باقیمانده از کتابخانه شیخ الاسلام به ترتیب الفبا از حرف عین تا یا. به عنایت حضرت باری دیگر کتابخانه های وقفی بر مدرسه نمازی خوی - که تعداد آنها از ده کتابخانه متجاوز است - در مقالات دیگر معرفی خواهد شد.

## ۱. شهر خوی

شهر خوی ملقب به دارالصفا در عرض ۳۸ درجه شمالی و طول ۴۵ درجه شرقی در غرب سرزمین پهناور ایران اسلامی واقع شده و از شهرهای بنام آذربایجان به شمار می رود. این شهر که اکثر قریب به اتفاق آن پیرو مذهب حقه شیعه اثناعشری می باشند

خاستگاه بزرگان و اندیشمندان زیادی بوده است و در این راستا از قرن سیزدهم به بعد حوزه‌های علمیه چندی در این شهر تأسیس شده و وقف شده، که عبارتند از:

الف: حوزه علمیه نمازی، تأسیس در حدود ۱۲۰۰ ه. ق.

ب: مدرسه خان، تأسیس حسینقلی خان دنبلی در سال ۱۲۰۸ ه. ق.

ج: مدرسه حاج آقا حسین امام جمعه، تأسیس در ۱۲۵۰ ه. ق.

د: مدرسه شفیعیه، تأسیس حاج شفیع خویی در سال ۱۲۶۶ ه. ق.

از چهار حوزه علمیه ذکر شده امروزه مدرسه نمازی پابرجا و دایر می‌باشد و مدرسه خان که در صحن مسجد خان فعلی بوده تخریب شده و در محل آن اداره نظمی (سابق) ایجاد شده است. و مدرسه حاج آقا حسین امام جمعه که جنب مسجد ملاحسن واقع بوده از بین رفته و مدرسه شفیعیه که جنب مسجد شفیعیه فعلی واقع بوده به صورت مخروبه درآمده و قسمتی از محوطه آن نیز توسط بعضی ادارات تصرف شده است.

## ۱/۱) تأسیس و وقف حوزه علمیه نمازی

همانطور که ذکر شد قدیمترین حوزه علمیه شهرستان خوی، حوزه علمیه نمازی است. این مدرسه در زمان حاکمیت دنبلیها در خوی در حدود سال ۱۲۰۰ ق. به وسیله حاج محمد، داماد آیت الله شیخ محمد نمازی برای محل تدریس وی در جنب منزلش احداث شده است. بنای اولیه مدرسه یک طبقه و چوب‌پوش بوده و تقریباً ده حجره مسکونی داشته که بعداً در تاریخ ۱۲۹۶ ق به همت مرحوم حاج ابراهیم بن زین‌العابدین مشهور به نواده بیت‌الله در دو طبقه تحتانی و فوقانی، با طاق‌بند آجری تجدید بنا شده که دارای سی حجره مسکونی بود.

سنگ نوشته‌ء این بازسازی که تاکنون باقی مانده و در زیر زمین مدرسه نصب شده چنین است:

«هو. تبعاً لمرضاة الله و رجاء لما هو خیر عنده که فرموده و الباقیات الصالحات خیر عند ربک ثوابا این زمان فیروزنشان عهد خدیو دوران. . ناصرالدین شاه قاجار دامت دولته، بنده فقیر ابن المرحوم آقا زین‌العابدین الحاج ابراهیم الشهیر بنواده بیت‌الله از بنای مدرسه پرداخت سنه ۱۲۹۶».

پس از آن این مدرسه با اعانت مرحوم حاج یحیی سلماسی - بانی مسجد سلماسی در محله یخچال قاضی قم - و مباشرت آیت الله حاج سیدعلی اصغر صادقی و مرحوم حجت الاسلام حاج شیخ علی مجتهدی مرمت و تعمیر گردید.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به امر حضرت امام خمینی - قدس سره - و کمک و مساعدت علمای محل، این مدرسه دوباره تجدید بنا گردید و در سال ۱۳۶۳ ش. برابر با ۱۴۰۸ ق. بنای آن اتمام یافت. این بنا دارای پنج طبقه و حدود چهل حجره مسکونی و دارای تجهیزات کامل می باشد سالانه حدود صد تا صد و پنجاه نفر طلبه، تحصیلات مقدماتی را تا اتمام لمعتین در این مدرسه طی کرده تا جهت ادامه تحصیلات عالی روانه حوزه علمیه قم شوند.

بزرگان زیادی در این مدرسه تحصیل نموده و درجات عالیہ علم و عمل را پیموده اند از جمله: حضرت آیت الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خویی (قدس سره)، شهید آیت الله حاج میرزا ابراهیم دنبلی خویی، حکیم و فیلسوف مشهور ملا عبدالله زوزی، علامه میرزا محمد حسن زوزی، علامه حاج میرزا

حبیب الله هاشمی خوئی صاحب شرح نهج البلاغه و آیت الله سید ابراهیم علوی - شاگرد فلسفی امام خمینی - و عالمان مبرز دیگر، که ذکر آنها از حوصله این مقال خارج است.

### ۲/۱) مسجد آیت الله نمازی

پس از تاسیس مدرسه نمازی، حسین خان بیات ماکوئی در سال ۱۲۳۸ ق مسجدی جهت اقامه نماز توسط آیت الله نمازی، در جنب مدرسه نمازی احداث و وقف نمود که الان هم به نام مسجد شیخ معروف و دائر است. دانشمند و شاعر معروف، سید عبدالرسول بن محمد حسن زوزی متخلص به فنا (م ۱۳۶۹ ق) در تاریخ بنای مسجد شیخ قطعه ای سروده، که ماده تاریخ ساخت آن است و بر سر در ورودی این مسجد بر روی سنگ حک شده است. فنا می گوید:

در زمان جلوس جمجاهی  
که بود زیب تخت خاقانی  
ماه برج شرف سپهر جلال  
مهر شاهی و ظل یزدانی  
شاه عباس خسرو قاجار  
بانی کشور جهانبانی  
یکی از چاکران درگاهش  
که مزین به نام او خانی

فخر ایل بیات ماکوئی  
هادم کفر و شرع را بانی  
مسجدی ساخت تا شود برپا  
پایه کعبه مسلمانی  
گفت تاریخ این مقام «فنا»  
کرد معمور کعبه ثانی  
(مواد التواریخ، حسین نخبجوانی: ص  
۵۴. مصرع «کرد معمور کعبه ثانی»  
به حساب ابجد برابر با ۱۲۳۸ است که  
تاریخ بنای مسجد شیخ است.)

۳. آیت الله شیخ محمد نمازی  
آیت الله شیخ محمد نمازی خوبی  
عالمی بود عامل، فاضل و زاهد، و چون  
دائماً مشغول نماز بود بدین جهت وی  
را نمازی لقب دادند. از محل تحصیل  
و استادان وی اطلاعی در دست نیست  
و یاد او به وسیله مدرسه نمازی (که  
محل تدریسش بوده) و مسجد شیخ  
(که محل برگزاری نماز او بوده) و  
بازماندگان دانشمندش ماندگار گردیده  
است.

آخوند نمازی در مسجد و مدرسه  
یاد شده مزبور انجام وظیفه می کرد تا  
اینکه در حدود سال ۱۲۵۰ ق در خوی،  
دارفانی را وداع گفت.

### ۳/۱. دانشمندان خانواده آیت الله نمازی

پس از آیت الله نمازی خاندانش  
در خوی مشعلدار علم و معرفت دینی  
بوده اند. دانشمندانی از این خاندان که  
پس از آخوند مصدر خدمات فرهنگی و  
دینی در خوی بوده و مدرسه نمازی را  
بر پا نگه داشته اند عبارتند از:

#### ۳/۱/۱. شیخ محمد جعفر نمازی

وی فرزند شیخ محمد نمازی است و  
در مسجد شیخ در جایگاه پدرش اقامه  
جماعت می نمود و نماز جماعتش به  
اندازه ای مورد علاقه مردم بود که برای  
نماز صبحش از یک فرسخی شهر  
می آمدند. شیخ جعفر نمازی در وعظ  
و ارشاد بی نظیر بود به طوری که او  
را با عالم معاصرش خطیب شهیر شیخ  
جعفر شوشتری مماثل می دانستند.

از ملا محمد جعفر نمازی اثری به  
نام حدائق الاشارات در احوال پنج تن  
آل عبا علیهم السلام، در پنج جلد، بر  
جای مانده که نشانگر قدرت وی در  
بیان عقائد و تسلط به اخبار و احادیث  
است. این کتاب سر نوشت عجیبی دارد.  
سه مجلد آن تاکنون مفقود گردیده و  
نسخه ای از آن شناسایی نشده است.  
مجلد امیر المؤمنین آن نیز تا چند سال

افتاد و در کنار قبر آخوند ملا زین العابدین نوائی مدفون گردید.

**۳/۱/۳. ملا محمدرضا پیشنماز**  
وی یکی دیگر از فرزندان ملا محمد نمازی می‌باشد. تحصیلاتش در نجف و کربلا صورت گرفته است. از آثار او تحریر کتاب قوانین الاصول میرزای قمی در کاشان در سال ۱۲۲۵ق (موجود به شماره ۱۳۴ در کتابخانه خطی مدرسه نمازی خوی) و تحریر مجموعه رسایل وحید بهبهانی در کربلا در سال ۱۲۲۳ق (موجود در کتابخانه مزار سید یعقوب مقبره در خوی) در دست است.

همچنین دستخطی از وی در آخر نسخه ش ۱۸۶ مدرسه نمازی و تملکی در آغاز نسخه ش ۱۸۶ و ۶۶ مدرسه نمازی وجود دارد.

**۳/۱/۴. ملا محمد بن محمد رضا نمازی**

وی نوه ملا محمدنمازی بانی مدرسه نمازی می‌باشد. تألیفاتی در فقه و اصول از وی باقی مانده که عبارتند از: الف) الدروس الحائریه، که تقریرات درس استادش سید ابراهیم قزوینی که در کربلا نوشته است. نسخه منحصر

قبل نسخه منحصر آن در نزد یکی از عالمان شهر خوی بوده ولی هم اکنون آن نیز ناپدید شده است.

خوشبختانه از مجلد مربوط به حضرت فاطمه زهرا علیهما السلام، تاکنون چهار نسخه باقی مانده است. ولی در هیچ کدام از نسخه‌های خطی نامی از مؤلف برده نشده است. ملا محمد جعفر نمازی تا آخر عمر در خوی مشغول افادات و افاضات بوده و تاریخ فوت وی را میرزا ابوالقاسم امین الشرع خویی در خاطراتش، سال ۱۲۹۶ق، در شهر خوی، ضبط نموده است.

**۳/۱/۲. شیخ عبدالوهاب نمازی**  
وی فرزند ملا محمد جعفر نمازی است. برای تحصیل به نجف اشرف مهاجرت نمود و در نجف از شاگردان مرحوم سید کاظم یزدی و خواص اصحاب وی بود. بعد از مراجعتش به خوی در مسجد خانوادگی شان (مسجد شیخ) امامت جماعت و تدریس می‌نمود. ملا عبد الوهاب نمازی قریحه شعری هم داشت و منظومه‌ای به عربی در ارث و نکاح، از وی باقی مانده است. وفات وی در سن هشتاد و هشت سالگی در سال ۱۳۵۸ق در خوی اتفاق

آن در ضمن کتابهای مرحوم آیت الله سید ابراهیم علوی در کتابخانه سید یعقوب مقبره در خوی نگهداری می‌شود.

۲) حاشیه قواعد الاحکام، که آن را در سال ۱۲۸۵ق در مدرسه صالحیه قزوین تالیف نموده و نسخه آن به شماره ۱۸۶ در مدرسه نمازی خوی نگهداری می‌شود.

۴. کتابخانه مدرسه نمازی خوی کتابخانه مدرسه نمازی در سال ۱۳۷۰ق در مدرسه نمازی خوی ایجاد گردید. و اکثر کتب آن از طرف علما و افراد خیر محل وقف شده است. هم اکنون این کتابخانه دارای سه مخزن می‌باشد:

الف) مخزن کتب چاپی جدید که متجاوز از بیست هزار عنوان کتاب در موضوعات مختلف علوم اسلامی، تفسیر، حدیث، فقه، اصول، فلسفه و عرفان و کلام و... را شامل است.  
ب) مخزن کتاب چاپ سنگی، که متجاوز از دو هزار کتاب نفیس چاپ سنگی است.

ج) مخزن نسخه‌های خطی، که شامل هزار نسخه خطی در بیش از دو هزار عنوان است. کتابخانه مدرسه نمازی با

داشتن این نسخه‌ها یکی از نفیس‌ترین کتابخانه‌های خطی آذربایجان و ایران به شمار می‌آید.

#### ۵. آقا ابراهیم شیخ الاسلام خوی

شیخ الاسلام آقا ابراهیم بن فتح الله شریف حسینی خویی (م ۱۲۳۳ق) از عالمان برجسته و عارف مسلک شهر خوی است.

شیخ الاسلام نقش مهمی در تاریخ فرهنگی و سیاسی خوی داشته و متأسفانه تاکنون پژوهی جدی در باره وی و بازماندگانش که قریب به صد سال شیخ الاسلام شهر خوی بدانها مفوض بوده، انجام نشده است.

#### ۵/۱. پدر شیخ الاسلام (شهید فتح الله شریف حسینی)

اولین شخصی که از خاندان شیخ الاسلام در خوی می‌شناسیم ملا فتح الله بن عبدالله خویی است. در این مورد آگاهی ما مرهون نگارش عالمانه علامه محمد حسن فانی زنوزی هستیم. زنوزی در کتاب ارزشمند بحرالعلوم (این کتاب تاکنون به چاپ نرسیده، و ما از نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی استفاده نموده‌ایم) در

ذکر جمعی از عالمان معاصر خود، اولین نفر ملا فتح را ذکر نموده و می‌نویسد: «المولی الجلیل فتح الله بن عبد الله الخویی، فهو عالم فاضل نبیل جلیل، ماهر فی العقلیات، قرء فی الاصبهان علی الفضلاء، و تأهل هناك، ثم رجع مع الاهل و العیال الی المحروسه و اقام بها و كان ظریفاً لطیفاً، ماثلاً الی المطائبه و المزاج، متواضعاً لأرباب الفقر و الصلاح و ساعياً فی جوائجهم بالغدو و الرواح کثیر البكاء و العویل فی تعزیه سید الشهداء علیه و علی آبائه افضل الصلوات الملک الجلیل. سافر الی زیارت بیت الله الحرام فی العام السادس و الثمانین بعد المائه و الالف من الهجرة و استشهد فی تلك السنه بایدی السزاق فی الطريق قبل الوصول الی البیت العتیق رحمه الله و نجاه عن النار الحریق»<sup>۱</sup>.

بدین ترتیب آقا فتح الله در راه مکه به دست دزدان طریق، در سال ۱۱۸۶ ق، شربت شهادت نوشید.

آقا فتح سه پسر داشت به نامهای فتحعلی و ابراهیم و اسماعیل و دختری نیز داشت که دو فرزند اهل علم داشت به نامهای آقا علی نقی و آقا احمد که همه از عالمان و دانشمندان به نام عصر خود بودند.

## ۵/۲. شیخ الاسلام خویی

آقا ابراهیم فرزند شهید فتح الله فرزند عبد الله شریف حسینی خویی مشهور به شیخ الاسلام خویی. او معروفترین شخص خاندان خود بوده و در کتابهای تراجم از وی یاد شده است.

آقا ابراهیم کوچکتر از برادرش فتحعلی و بزرگتر از برادر دیگرش اسماعیل بوده است. وی مقدمات علوم را در خوی فرا گرفت. سپس برای ادامه تحصیل به همراه برادرش اسماعیل، مدتی به اصفهان رفته و از علمای معروف آن دیار خصوصاً مرحوم ملا علی نوری فیلسوف بزرگ استفاده کرد و برای ادامه تحصیل راهی عتبات عالیات شد و بعد از چند سالی به خوی برگشت. آقا ابراهیم خویی بعد از درگذشت ملا حسن شیخ الاسلام (بانی مسجد ملا حسن در خوی)، مقام شیخ الاسلامی شهر خوی را به عهده گرفت.

علامه محمد حسن زنوزی - که معاصر شیخ الاسلام خویی بوده - در کتابش بحرالعلوم، در باره وی چنین نوشته است:

«المولی ابراهیم و المولی اسماعیل ابنا المولی فتح الله الخویی، عالمان فاضلان صالحان عابدان عارفان



کاملان، قرءاً اولاً علی فضلاء المحروسة ثم سافرا بعد مسافرة اخيهما الاكبر المولى فتحلى الى اصبهان، ثم الى العراق، ثم الى الطوس، فقراء فى تلك البلاد و استكملا فى العلقليات و النقليات، الا انهما مايلان كثيراً الى العرفان، ثم رجعا الى المحروسة فتصديا بأمر الوعظ و النصيحة و الارشاد. و لهما قريحه عجيبة و سليقة غريبة. اطال الله بقاهما!.

ديوان بيگى نیز در باره وی چنین می نویسد:

«صاحب علم و فضل و زهد و تقوى، در کربلاى معلى تحصيل علوم ظاهر کرده و خدمت مرحوم نور على شاه رسیده، از جانب ایشان مأمور به ارشاد ظاهر و باطن شده، ولى در بدو امر خيلى زحمت کشیده، چنانچه نزد آقا محمد شاه از او سعایت کردند و به تهرانش طبعیده چوبش زد و امر کرد تا در حوض آبش انداخته چوب بزنند. دو ساعت از زیر آب بیرون نموده بر تغیرش افزوده، گفت حوض را خالی کنند. در آن حال طفلى از فتحلى شاه از بام افتاده، سبب تنبیه آقا محمد خان شده دست از او برداشت. بعد از آن که نجات یافت بر سر کار خود رفت و به ملاحظه آن صدمه، تا تواند خود و فقرا

را حفظ کند، تکیه به سلطنت ظاهرى داده رتبه شيخ الاسلامى تبريز يافت. سفرى هم به سفارت روم رفت و در آن جا خيلى محترم بود. در سال هزار و دويست و سى و اند در تبريز بدرود جهان نموده است».

امين الشرع خويى که معاصر نوه آقا ابراهيم خوى (آقا محمد رضا شيخ الاسلام است) در خاطراتش در شرح حال شيخ الاسلام خويى چنین می نویسد:

«از جمله خلد مقام مولانا آقا ابراهيم خويى - قدس سره - از علمای عاملين و اتقيای کاملين بوده و از علمایی است که مابين علم و عمل را جمع کرده و حاوی علوم شريعت و طريقت و حقيقت و صاحب مقامات عاليه و کرامات باهره بوده است. و پوشيده نماند مقصود مصنف از ارباب طريقت و حقيقت العياذ بالله نه بعضی از دراويش و متصوفه است که به طريق لاقيدى و بی مبالاتی رفتار کرده و پشت پا بر احکام شريعت مقدسه می زنند و به رياضات غير مشروعه و شهيق و نهيق و رقص کردن عبادت می نمایند. حاشا لله تعالى، بلکه مقصود ما اشخاصی است که به رياضات شرعيه و عبادات موظفه و زهد و تکلف و مجاهدات نفسانيه خود

را به مقام بصیرت قلبیه و کشف سرائر باطنیه رسانیده و عارف بالله گردیده‌اند. کما لا یخفی. و این الثری من الثریا و ما لتراب و رب الارباب. فتدبرَ جیداً. بالجمله آقا ابراهیم مرحوم در طریقت مرید و فرزند مرحوم نور علی شاه بوده، گویا اوقاتی که آن مرحوم در نجف اشرف مشغول به تحصیل و تکمیل ظاهر بوده به خدمت نور علی شاه رسیده و مرید وی گردیده و شخصی حکایت کرد که می‌فرموده است: نور علی شاه در آن اوقات بتصرف ولایتی دیده بصیرت مرا با چند نفر از رفقایم باز کرده و حلقه‌های ارواح مومنین و مجامع ایشان را در وادی السلام نجف اشرف عیناً به ماها ارائه نمود.»

در سلطنت فتحعلی شاه به واسطه پاره‌ای حوادث و تهمت، شاه بر وی غضب کرده و به طهران احضار می‌نماید.

روزی که مولانا به خدمت پادشاه می‌رسند به سبب افساد مفسدین شاه را به غایت درجه غضبناک یافته پس با آن جناب بنای اهانت و تعریض گذاشته می‌گوید: آقا ابراهیم می‌گویند تو صوفی هستی. مولانا می‌فرماید: من نمی‌دانم مقصود شما از صوفی کیست و چیست. می‌گوید: اگر صوفی نیستی

به نور علی شاه لعنت بکن. در جواب می‌فرماید: نور از اسماء الله است آن را لعنت نتوان کرد و علی هم اسم مبارک شاه اولیا است و او را هم ناسزا نتوان گفت لیکن به شاهش هزار لعنت باد شاه مغرور جاهل بی‌باک مانند تنوره آتش مشتعل گردیده حکم می‌کند که سر مولانا را به حوض آبی فرو آویخته و تا سینه در میان آب برده و بپاهایش چوب بسیار می‌زنند. یک ساعت نجومی چندانکه یقین می‌کند که دیگر مولانا در آب خفه گردید آن وقت می‌گوید: بکشید بیرون. چون سرش را از آب خارج می‌نمایند صیحه «یا علی» بی اختیار از باطنش در غایت رعوبی و وحشتناکی سر می‌زند که بدن منحوس شاه از آن صیحه به لرزه درآید. آن وقت می‌گوید: آقا ابراهیم راست بگو این چه بوالعجبی بود که در ظرف یک ساعت نجومی هنوز خفه نشدی مولانا می‌فرماید: بلی مرشد من سی سال قبل بر این مرا بحبس نفس امر کرده و آموخته بود حالا معلوم کردم که به جهت چنین روزی بوده است.

پس شاه رو به محمد خان قراگزلوی مرحوم که با مولانا هم طریقت بوده‌اند، کرده می‌گوید: محمد خان حالا بیا و

مرشد خود را بردار ببر. محمد خان در کمال جسارت می‌گوید: قربان مرشدم نیست ولی برادر طریق و مهمان من است البته می‌برم و به جان منت قبول می‌کنم پس وی را بر پشت خود سوار کرده و به منزل می‌آورد. و از این گفته محمد خان نیز قدری بر دلتنگی شاه می‌افزاید.

بعد از چند وقتی روزی از محمد خان از مولانا احوال پرسى کرده و می‌گوید: برو از قول من به آقا ابراهیم بگو که اگر می‌خواهد من او را مرخص و آزاد کنم مدت یک سال است به طهران بارش نیامده و خشک‌سالی است و از این جهت مردم به غایت وحشت و دهشت دارند اگر او مرد خداست از خدای خود بارش طلب کند محمد خان آمده به مولانا ابلاغ می‌نماید می‌فرماید برو بگو به چشم من متعهد شدم که بارش آمده و رحمت حق به طهران نازل شود. محمد خان گفته مولانا را به شاه می‌رساند مجدداً می‌گوید: چون محتمل است که اتفاقاً بارش بوده، باید وقت را تعیین بنماید تا دل من مطمئن گردد. محمد خان گوید: من دو مرتبه به مولانا گفتم: که شاه چنین گفته مختصر

تأملی کرده گفت: بگو روز جمعه اول زوال وعده‌گاه من است. محمد خان گوید: من تنگ حوصله شده از غایت دلتنگی گفتم: «آقا ابراهیم چوخ یالان اولمسون» یعنی مگر شما را با خدا قرابت و خویشاوندی هست در مقابل پادشاه قهاری که بهانه جوئی می‌کند و مقصودش اتلاف نفس تو است به این جسارت تعیین وقت می‌کنی بلکه بارش نیامد در جواب چه خواهی گفت. مولانا می‌فرماید: همانا تو خداوند خود را نشناخته‌ای برو و آنچه را که گفتم به شاه برسان.

بالجمله محمد خان کیت و کیت مطلب را به شاه می‌گوید و شاه منتظر بوده است تا روز موعود برسد. راوی گوید که من در انتظار تمام بودم که روز وعده برسد تا چه پیش آید از این جهت غالباً ملتفت به حال مولانا بودم ببینم وی چه می‌کند به گمان این که دعائی یا ندبه‌ای و گریه و خصوع و خشوعی اظهار کرده مثلاً دعای کمیل ابن‌زیادی یا صحیفه سجاده‌ای خواهد خواند و گریه و ناله خواهد کرد و به چه جور به خدای خود متوسل خواهد شد. دیدم ابدأ چنین کاری از وی سر نزده و در

کار نیست بلکه به همان قرار مرسوم مشغول صحبت و انس با احباب است چندانکه روز وعده رسید و از قضا آن روز را چند نفر مهمان عزیز و محترم بر مولانا وارد گردید و وی مشغول محابه و مواده و پذیرایی بود و من مکرر خیال می‌کردم که رفته وی را متذکر شوم گویا این مرد فراموش گفته که امروز روز موعده شاه است. طاقت نیاورده عاقبت اظهار کردم که آقا امروز جمعه و موعده ما است فرمود: می‌دانم علی الله. باز با رفقا و مهمانان بنای صحبت و عشرت گذاشته چندانکه قریب به ظهر مهمانها برفتند و منزل خالی گردید. آنگاه مولانا تجدید وضویی فرمود به نمازگاه خود که پستویی بود برفت و به من فرمود که شما ابداً به توجه و حالت من متعرض نشده و با من گفتگویی نکنید که خیال و توجهات مرا به باطن آشفته نماید. همین قدر که از بیرون منتظر باشید هر وقت هوا ابر شد به من مژده بدهید پس مرحوم داخل خلوت گردیده و من در بیرون با

نهایت پریشانی و انتظار نشسته بودم و یقین داشتم که اگر بارش نیاید و موعده بگذرد شاه این مرد به جهتی هلاک خواهد کرد و هوا به غایت صاف و گرم و روشن بود و ابداً آثار بارندگی دیده نمی‌شد تا اذان ظهر گذشت و ربعی هم زیاد بگذشت ناگاه بیرون شده به هوا نگاه کردم دیدم قطعه ابری از جانب شمیران به هوا بلند گردیده و از یک طرف افق طهران نمودار شد آمده گفتم: آقا بشارت باد که قطعه ابری از افق پیدا شده و از پنجره نگاه کردم بینم وی بچه مشغول است دیدم مربع به هر دو زانو نشسته و سر به زانو نهاده و متوجه عالم غیب و غریق بحر توجه به باطن است و گاهی سر بر آورده به زبان خود می‌گوید: «جانم یاغ گوزوم یاغ» یعنی جان من بیار و چشم من بیار باز متوجه می‌شود. محمد خان گوید قسم به خدای یگانه که هنوز ربعی از آن نگذشته بود که دیدم قطعه ابر سیاهی به فوریت تمامی افق را

فرو گرفت و چندی نگذشت که بنای باریدن گذاشت آن وقت فریاد کردم آقا مژده ات باد بارش آمد و دریای فیض الهی چنان در حرکت و جنبش آمد که سه روز و شب بارندگی شدیدی بود و بعضی خانه‌ها که در ممر سیل واقع شده بود خراب گردید آن وقت فرمود: برادر حالا دیدی که تو خدای خود را هنوز نشناخته‌ای!

جهان را صاحبی باشد خدا نام  
کزو شوریده دریا گردد آرام

مؤلف تاریخ گوید: این قضیه اگر چه به طریق اجمال در میان مردم خوی مشهور و معروف بوده و من آن را از افواه رجال شنیده بودم لیکن به این تفصیل که ذکر شد آن را از خلد مقام آقا فتح الله شیخ الاسلام نوه همین آقا ابراهیم مرحوم شنیدم و وی نیز روایت می‌کرد که در زمان مرحوم علاء الدوله امیر نظام در چمن درشک در سلماس اردو زده بودند و من به جهت مهمی و شکایتی به اردو برفتم و در آنجا با

مرحوم اعتضاد السلطنه قراگزلوی همدانی اتفاق ملاقات افتاده بعد از آنکه مرا معرفی کردند معلوم گردید که اعتضاد السلطنه نوه همان محمد خان قراگزلو بوده پس از حصول معرفت و آشنایی از طرفین اعتضاد السلطنه همین تفصیل را به قراری که مشروحاً ذکر شد از جدّ خود محمد خان قراگزلو - رحمه الله علیه - تفصیلاً به مرحوم آقا فتح الله شیخ الاسلام روایت کرده بود. و آن مرحوم نیز بر این بنده حکایت نمودند

و بعد از ظهور این کرامت عظمی دیگر فتحعلی شاه با مولانا بنای مهربانی گذاشته و تبدیل به محبت و ملاحظت می‌نماید.

و آن مرحوم پسر ملا فتح الله ابروانی است که بعد از استیلای روس به ابروان مهاجرت کرده به خوی اقامت می‌نمایند و در اواخر از جانب فتحعلی شاه به عنوان رسالت و سفارت به اسلامبول تشریف می‌برند»<sup>۳</sup>.

از شیخ الاسلام هم اکنون چند اثر باقیمانده است، بدین ترتیب:

بنا شده است. باید توجه داشت که بانی حسینیه آیه الله شهید حاج میرزا ابراهیم دنبلی خویی (شهادت در سال ۱۳۲۵ق) است و نباید وی را با آقا ابراهیم شیخ الاسلام اشتباه گرفت.

یکی از وقایع مهمی که در زندگی آقا ابراهیم شیخ الاسلام خویی اتفاق افتاده، سفارت وی به درگاه سلاطین عثمانی است. در تمامی مصادر شرح حال وی به این مسئله تصریح شده و اولین مصدر در این زمینه روضه الصفا (ج ۹، ص ۳۴۷ و ۴۴۰) می باشد و در مصادر دیگر به نقل از آن یاد شده است.<sup>۲</sup>

### ۵/۲/۱. وفات شیخ الاسلام

در گذشت شیخ الاسلام در کتابها به درستی ثبت نشده است. در اغلب مصادر نوشته اند که وی بعد از سال ۱۲۳۰ در تبریز در گذشته است.

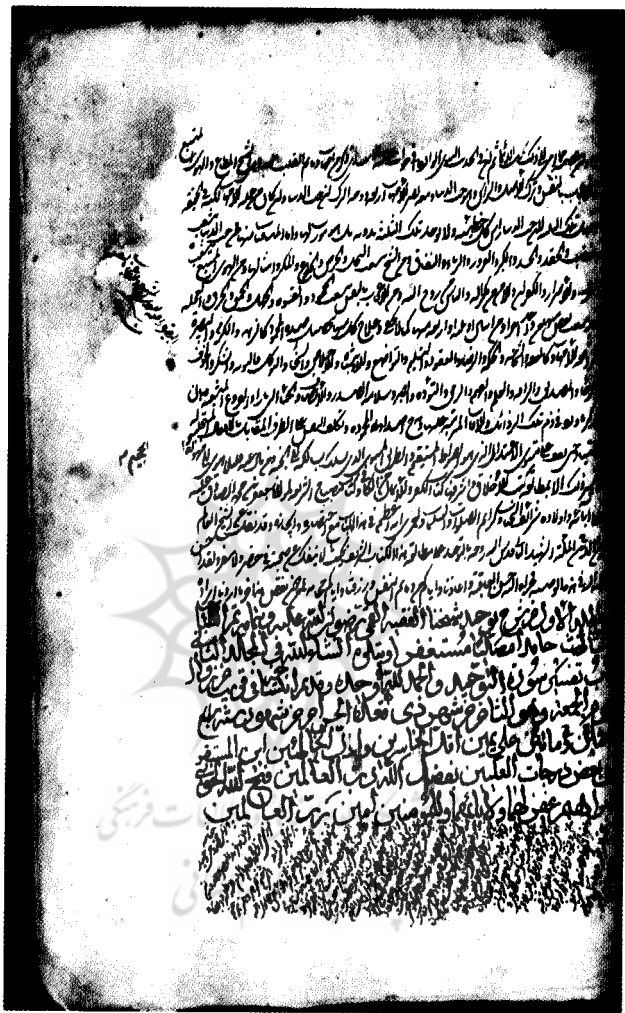
ولی وقف نامه ای از شیخ الاسلام در دست است که در آن در جمادی الثانی ۱۲۳۳ق، نسخه ای از درر النجفیه مرحوم بحرانی را وقف نموده است.

الف) نسخه ای از جلد اول شرح توحید صدوق قاضی سعید قمی است که شیخ با خط نستعلیق بسیار زیبا، در ربیع الاول ۱۲۰۲ق در قمشه اصفهان آن را تحریر نموده است. این نسخه به ش (۳۰۹) در کتابخانه مدرسه نمازی خوی نگهداری میشود. در هامش این نسخه حاشیه هایی از آقا فتح الله فرزند آقا ابراهیم و آقا محمد رضا فرزند آقا فتح الله مذکور و آقا فتح الله فرزند آقا محمد رضای مذکور که هر سه شیخ الاسلام خوی بودند به چشم می خورد.

ب) نسخه های خطی باقیمانده از کتابخانه وی است که در اول همه آنها وقفنامه به خط وی موجود است. در این مورد در کتابخانه شیخ الاسلام سخن خواهیم گفت.

ج) مسجدی که هم اکنون به نام وی به نام مسجد آقا ابراهیم در خوی دائر و در خیابان محله در پشت حسینیه میرزا ابراهیم واقع شده است.

این مسجد را شیخ الاسلام خوی آقا ابراهیم شریف حسینی خویی در سال ۱۲۳۰ق بنا نهاده و بعد از وی تجدید



انجامهء نسخه‌ای که شیخ الاسلام خویی در شهر قمشه اصفهان در سال ۱۲۰۲ق  
تحریر نموده است. نسخه خطی ش (۳۰۹ مدرسه نمازی)، شرح توحید صدوق

قاضی سعید قمی.

نوه شیخ الاسلام خوبی (آقا محمد رضا بن فتح الله بن آقا ابراهیم)، در نسخه‌ای از مثنوی معنوی وفات جدش آقا ابراهیم را در سال ۱۲۳۳ ق، ثبت نموده و ماده تاریخی هم برایش ساخته، بدین عبارت:

«۱۲۳۳ بموت العالم مات العالم، تاریخ وفات رضوان آرامگاه آقا ابراهیم طاب ثراه است. راقمها الداعی لترویج روحه المطهر محمدرضا بن آقا فتح الله طاب ثراه. تاریخ التحریر ۲۴ جمادی الثانی من شهر ۱۲۶۶»<sup>۵</sup>.

ولی اخیراً تصویری از کتاب آداب المسافرین نوشته محمد تقی خوبی (خواهر زاده شیخ الاسلام خوبی)،

به عنایت دانشمند گرانمایه منوچهر صدوقی سها زید عزه عالی، به دست نگارنده رسید که در آن شیخ الاسلام خوبی را در سال ۱۲۳۵ ق در قید حیات دانسته است. و گویا وفاتش قریب به این سال اتفاق افتاد است.

۵/۳. مولی فتح علی بن فتح الله بن عبد الله خوبی

ملی فتحعلی که فرزند بزرگ پدر بود بعد از شهادت پدرش در سال

۱۱۸۶ ق، راهی اصفهان و عراق گردید و بعد از تکمیل تحصیلات به خوی باز گشته دوبار سفر حج گزارد و در خوی به قضاوت و اجرای احکام مشغول گردید و تا سال ۱۲۱۳ ق در قید حیات بوده است.

نسخه‌ای از شوارق الالهام مولی عبدالرزاق فیاض لاهیجی (م ۱۰۵۱ ق) در دست است که در ۲۷ صفر ۱۲۰۰ برای همین آقا فتحعلی نوشته شده و در چند جا حاشیه‌هایی از وی بر این کتاب موجود است. (شوارق الالهام، نسخه خطی ش ۱۹۲ مدرسه نمازی خوبی)

متوفای ۱۰ ربیع الاول ۱۲۵۴ ق به نقل از نسخه ش ۲۹ خادم حسینی

۵/۴. مولی اسماعیل بن فتح الله بن عبد الله خوبی

مولی اسماعیل که کوچکترین فرزند شهید عبدالله خوبی بوده، همراه با برادر خود ولی ابراهیم راهی اصفهان و عراق و مشهد گردیده و تحصیل خود را در علوم عقلی و نقلی تکمیل نموده و به خوی برگشت. علاقه زیادی به عرفان داشت و در خوی به وعظ و



ارشاد مشغول بود. از تاریخ فوت وی اطلاعی در دست نیست و تا سال ۱۲۱۳ق در قید حیات بوده است. متوفای ۱۲۵۲ق به نقل از نسخه ش ۲۹ خادم حسینی

### ۵/۵. فتحعلی بن اسماعیل خویی

آقا فتحعلی بن اسماعیل بن فتح الله بن عبد الله خویی، او در سال ۱۲۱۴ق در خوی متولد شده و از فیلسوفان و متکلمان خوی است که در اصفهان نزد مولی محمد رضا تبریزی شاگرد ملا محمد اسماعیل واحد العین تحصیل کلام و فلسفه نموده است. او در اصفهان طبق یادداشتی که خود قلمی نموده، یازده نسخه خطی را به دست خود تحریر نموده که دو نسخه از آن در دست است.

اولی نسخه ای از شوارق الالهام فی شرح تجرید الکلام مولی عبدالرزاق بن علی بن حسین فیاض لاهیجی (۱۰۵۱) است که شامل مقصد اول (امور عامه) از کتاب مذکور است. این نسخه را عمومی وی که هم نامش بوده (فتحعلی بن فتح الله) در ۲۷ صفر ۱۲۰۰ق

برای خود نویسانیده است. پس از آن فتحعلی بن اسماعیل در حالی که سی و یک سال بیشتر نداشته حاشیه‌های آن را تحریر نموده و در روز چهارشنبه ۱ رمضان ۱۲۴۵ق در حاشیه آن تحریر نموده است. (شوارق الالهام، نسخه خطی ش ۱۹۲ مدرسه نمازی خوی)

او در حاشیه این نسخه حاشیه‌های استادش محمدرضا و محمدعلی نوری، عبدالرزاق لاهیجی (شارح) و استاد الاستادش محمد اسماعیل خواجویی را به طور دقیق و با خط زیبا تحریر نموده و در پایان چنین مرقوم نموده است: «قد فرغت من تسوید الحواشی و استنساخها من خط الاستاد ادام الله بقائه ناقلاً من خط استاده يوم الاربعاء ۱۴ رمضان ۱۲۴۵ و كنتُ ابن احد و ثلثین و كان هذا فی ایام الاشتغال بتعلم المشاعر و تدرسه عند الاستاد دام ظله و انا الذلیل ابن اسماعیل فتحعلی».

او در شوال ۱۲۴۳ق به خواندن این کتاب نزد استادش مشغول گردیده و در ربیع الاول ۱۲۴۷ق به مباحثه همین کتاب مشغول شده است.

## وقف میراث جلیلان

الحال و الفعال، سافر الى العراق فزار الائمة (ع) و قرأ على العلماء و استكمل فرجع الى المحروسة و سكن بها الى اخر العمر. توفي رحمه الله فجاءه في سنة التسعة و التسعين بعد المائة و الالف. و قد قيل في تاريخه بالعجيمة: خوشا بر حال آن صاحب سعادت که تاريخش خوشا بر حال آن شد»

۵/۷. مولی محمد خوبی

او خواهرزاده دیگر شهید ملا فتح الله خوبی است. زنوری در بحر العلوم در شرح حال وی می‌نویسد:

«المولی الجلیل محمد الخویی اخو المولی علی نقی و ابن اخت المولی فتح الله، علام فاضل سالک کامل حکیم عارف ادیب جامع شاعر منشیء مورخ ماهر فی اکثر العلوم و له حظ فی الخط لطیف ظریف شریف کزیم الخصال، رضی الفعال ملیح الاقوال و هم من افاضل الخلان الوفا و امائل اخوان الصفا بین و بینة صداقة صادقة و رفاقة خالصة. سافر الى اصفهان ثم الى العراق و قرء علی الفضلاء و استكمل فی العلوم و الاخلاق فرجع الى المحروسة ثم سافر الى الحج ثم

استاد وی آقا محمد رضا تبریزی است که خود شاگرد محمد اسماعیل اصفهانی مشهور به واحد العین بوده است. تبریزی ساکن اصفهان و در سال ۱۲۴۷ق در قید حیات بوده و مشاعر ملاصدرا و شوارق الالهام تدریس می‌کرده است.

آقا فتحعلی در ۳۳ سالگی نسخه دیگری از شوارق (از اول مقصد ثانی جواهر و اعراض تا اول مقصد ثالث) را در ۱۹ رجب ۱۲۴۷ق در اصفهان شروع به تحریر نموده و در ۷ رمضان ۱۲۴۷ق به پایان رسانده، و آن را مقابله و تصحیح نموده. کتابش را بر اولادش وقف نموده است. (شوارق الالهام نسخه ش ۵۵۰ مدرسه نمازی خوی، این نسخه در ۱۷۴ برگ، ۲۴ سطر، به اندازه ۱۲\*۲۳ سانتی‌متر، واقع شده است.

۵/۶. مولی علی نقی خوبی

او خواهرزاده شهید ملا فتح الله خوبی است. زنوری در بحر العلوم در شرح حال وی می‌نویسد:

«علی نقی الخویی، کان فاضلاً صالحاً تقياً نقياً حسن الخلق و الخصال رضی

الی العتبات و بعد الرجوع اقام بها و تصدی بامرہ و له بالفارسیۃ اشعار. اطل الله بقاءه».

### ۵/۸. محمد تقی خویی

محمد تقی بن محمد خویی منصور علیشاه (متولد ۱۲۰۴ق در خوی و متوفای ۱۲۷۴ق) خواهر زاده شیخ الاسلام آقا ابراهیم خویی است و لقب طریقتی وی منصور علیشاه است. کتابی در عرفان و تاریخ تصوف نگاشته به نام آداب المسافرین که در روز پنجشنبه ۲۸ صفر ۱۲۵۶ق تألیف آن را به پایان رسانده و نسخه اصل به خط وی در دانشگاه تهران به شماره ۲۴۰۹ (فهرست نسخ خطی دانشگاه تهران، ج ۹، ص ۱۰۳۴) در ۲۵۸ برگ، ۱۵ سطری، در اندازه ۲۱\*۱۵/۵ سانتی متر، نگهداری می‌شود.

وی در نزد دایی خود آقا ابراهیم و فرزند وی آقا فتح الله تحصیل کرد و به مجذوبعلی شده همدانی دست ارادت داد. عاقبت در سال ۱۲۷۴ق بدرود حیات گفت. وی کتاب تعقیبات و اعمال هفته به عربی از مؤلف ناشناخته (نسخه

ش ۳۵۷ مدرسه نمازی خوی) را به اولاد ذکور فتح الله بن ابراهیم وقف نموده و تولیت آن را به خدیجه الرفانی بیگم جان خانم زوجه مرحوم فتح‌الله واگذار نموده است. چند حاشیه از محمدتقی خویی در حاشیه کتاب مذکور دیده می‌شود.

وی را برادری بود به نام عبدالکریم که او نیز از اهل علم بود و بعداً به تصوف گرائید.

### ۵/۹. علی نقی بن ابراهیم

#### خوئی

علی نقی ملقب به حاجی پسر بزرگ شیخ الاسلام آقا ابراهیم خویی است. آقا ابراهیم کتابهایش را بر وی و پسر دیگرش فتح الله معروف به آقا و خواهر زاده خود احمد آقا وقف نموده است.

### ۵/۱۰. فتح الله بن ابراهیم

#### شریف حسینی خوئی

فتح الله ملقب به آقا پسر بزرگ شیخ الاسلام آقا ابراهیم خویی است. آقا ابراهیم کتابهایش را بر وی و پسر دیگرش علی نقی معروف به حاجی و

## وقف سیرت خردگرا

یادداشتی مرقوم نموده که معالم را از اول تا آخر با احمد بن علی اکبر مباحثه نموده، و در ۱۲ صفر ۱۲۴۴ به پایان رسانده است او همچنین حاشیه‌هایی بر معالم نوشته است؛

۳. نسخه ش ۱۹۷ مدرسه نمازی، شرح الالفیه شهید اول از: شیخ حسین بن عبدالصمد عاملی (۹۸۴)، در سال ۱۲۴۰ق؛

۴. نسخه ش ۱۹۸ مدرسه نمازی، الفوائد الملیة بشرح الرسالة النفلية از: شهید دوم زین‌الدین بن علی عاملی (۹۶۶)، در سال ۱۲۴۰ق؛

۵. نسخه ش ۸۸ مدرسه نمازی، الصافی فی تفسیرالقرآن از: ملا محسن فیض کاشانی (۱۰۹۱) با تولیت پسرش محمدرضا در سال ۱۲۵۰ق وقف نموده است.

همسر وی نیز اهل علم بوده و محمد تقی شریف حسینی خوبی نسخه ش ۳۵۷ مدرسه نمازی خوی در تعقیبات و اعمال هفته به عربی از مؤلف ناشناخته را وقف اولاد ذکور فتح‌الله بن ابراهیم نموده و تولیت آن را به خدیجه الرفانی بیگم‌جان خانم زوجه مرحوم فتح‌الله واگذار نموده است.

خواهر زاده خود احمد آقا وقف نموده است.

آقا فتح‌الله جانشین پدر در مقام شیخ الاسلامی و ارشاد بود و مدتی را از سال ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۹ در تبریز به سر برده است.

او بر کتابهای متعددی حاشیه نوشته که نشانگر فضل و دانش اوست و در سال ۱۲۵۲ق دار فانی را وداع کرد.

آقا فتح‌الله چند نسخه را بر اولادش وقف نموده و مهرش به شکل مربعی با سجع «لوائق بالله الغنی فتح‌الله شریف حسینی» در اول آنها به چشم می‌خورد، این کتابها عبارتند از:

۱. مجموعه ش ۳۴۷ مدرسه نمازی، شامل: ۱- الاسلام والايمان و ۲- فیما ورد فی صدر هذه الامة هر دو از: ملاحیدر علی شیروانی (قرن ۱۲)، وقف در سال ۱۲۲۷؛

۲. مجموعه ش ۳۲۶ مدرسه نمازی، شامل: ۱- معالم‌الدین و ملاذالمجتهدین از: شیخ حسن بن زین‌الدین عاملی (۱۰۱۱) و ۲- زبدة‌الاصول از: شیخ بهاء‌الدین محمد بن حسین عاملی (۱۰۳۱)، وقف در سال ۱۲۳۸ق، آقا فتح‌الله طی



۵/۱۱. احمد خویی

او خواهر زاده آقا ابراهیم شیخ الاسلام خویی است که آقا ابراهیم کتابهایش را بر وی و دو فرزندش علی نقی و فتح الله وقف نموده است.

۵/۱۲. آقا محمدرضا بن فتح الله شریف حسینی خویی

او نوه آقا ابراهیم شیخ الاسلام است. و خود پس از پدر مقام شیخ الاسلامی خوی را و به همین دلیل به آقا محمدرضا شیخ الاسلام معروف بود. در سال ۱۲۹۶ قمری جهان فانی را وداع و به دارفانی خرامید.

آقا محمد رضا دارای ذوق شعری عالی بود و به «رضا» تخلص می‌کرد و اشعار عرفانی عالی انشاء کرده که نمونه‌هایی از آن چنین است:

چشمی نه چشم آنکه به یاری نظر نکرد

دستی نه دست آنکه دعایی به بر نکرد

عاشق نه آنکه تیر چو آید ز شصت دوست

مژگان به هم فرو زد و جان را سپر نکرد

از ما بریده دوست به دیگر نهاده دل

بی‌چاره این دلم سر یاری دگر نکرد

گفتم مگر دمی ز وصالش خبر دهد  
عمرم به آخر آمد و روزی خبر نکرد  
ز آه «رضا» خبر به تو باد صبا نداد  
یا داد خود در آن دل سنگت اثر نکرد  
و همچنین از غزلیات اوست:

آن دل کیست که آشفته آن کامل نیست

خودمگر سنگ شود کآن به حقیقت دل نیست

بهر توحید خود آن صورت حق بینا بس

کآیتی در حق توحید چنین نازل نیست

موشکافان همه انگشت تعجب خایان

در میان تو کسی نیست که آن جاهل نیست

عین عقل است که مجنون توام می‌خوانند

کآنکه مجنون نشد از عشق رخت عاقل نیست

بر همه سال بیا بر سر خاکم نظری

بین که بار غمت از رستخیزم زایل نیست

تا دلم میل به آن صورت حق بین انداخت

دگر از هر دو جهان بر دگری مایل نیست

آفرین بر نفس دلکش موزون «رضا»

سحری نیکونه مسحره بابل نیست

## وقف میلاد جلورگان

حسنعلی ایروانی است او در دو نسخه از نسخه‌های کتابخانه شیخ الاسلام چنین نوشته است:

«این کتاب از جناب آقامحسن خلف مرحوم فتح‌الله پیش حسن علی ایروانی امانت است.» (Placeholder<sup>۲</sup>) اطلاع دیگری از وی در دست نیست.

آقا محمد رضا نسخه‌ای از الفوائد الصمدیه شیخ بهاء‌الدین محمدبن حسین عاملی (۱۰۳۱) را در سال ۱۲۵۷ق در کربلا برای برادرش محمد حسن تحریر نموده است. (نسخه ش ۳۶۲ مدرسه نمازی خوی)

۵/۱۳. آقا محمد حسن شریف حسینی

آقا محمد حسن بن فتح الله بن ابراهیم شریف حسینی، برادر کوچکتر آقا محمد رضاست و آقا محمد رضا فوائد الصمدیه شیخ بهایی را در سال ۱۲۴۷ق در کربلا به جهت وی تحریر نموده است. (نسخه ش ۳۶۲ مدرسه نمازی خوی)

۵/۱۵. آقا فتح الله شریف حسینی معروف به شیخ الاسلام

آقا فتح الله بن محمد رضا بن فتح الله بن ابراهیم بن فتح الله بن عبدالله شریف حسینی خویی معروف به آقا فتح الله شیخ الاسلام، او تا سال ۱۳۳۶ق در قید حیات بوده ولی پس از آن اطلاعی از وی به دست نیامده است.

۵/۱۴. آقا محسن شریف حسینی

آقا محمد حسن بن فتح الله بن ابراهیم شریف حسینی، اطلاع ما از وی مرهون دو یادداشت از ملا

آقا فتح الله ذوق شعری عالی داشت،

دستخط آقا فتح الله بن محمد رضا بن فتح الله بن آقا ابراهیم شیخ الاسلام خویی که در حاشیه نسخه اشعاری از سروده‌های خودش را تحریر نموده است.

بصورتی که اول مشهور و ثانی القاهر و ثالث الانس و رابع الضمیر و غیره که در کتب معتبره نقل شده است و اینها در بعضی کتب معتبره نقل شده است و اینها در بعضی کتب معتبره نقل شده است

خداوند

تغایر بی تحقیق مواظب لولا علی حکم بر حقیقت در غرضها کثیر است  
و چون گفتیم در این کتاب گفتیم در بعضی کتب که در بعضی کتب معتبره نقل شده است و اینها در بعضی کتب معتبره نقل شده است  
و چون گفتیم در این کتاب گفتیم در بعضی کتب که در بعضی کتب معتبره نقل شده است و اینها در بعضی کتب معتبره نقل شده است

بسم الله الرحمن الرحیم  
الحمد لله رب العالمین  
والصلاة والسلام علی ائمه الطاهین  
و علی آله و صحبه اجمعین  
و علی من تبعهم باحسان  
الیوم و الابد  
آمین  
و بعد

نمونه‌ای از اشعارش منثوی زیر است:

شنیدم که روزی رسول مجید  
حبیب خداوند فرد و وحید

## وقت میلاد حضرت پاک

که امید واریش بردار تست  
 بحبّ تو و حبّ اولاد تست  
 این رباعی هم از اوست که در سال  
 ۱۲۹۶ ق سروده است:

دل اوست که غیر دوست آنجا نبود  
 در وی به جز از محبتش، جا نبود  
 آن دل که به غیر دوست کاشانه بود  
 از بودن او چه سود کاشا نبود  
 آقا فتح الله وقتی با پدرش به روستای  
 قره قوش از روستاهای خوی رفته بود.  
 ولی در آنجا حالش گرفته شده و هوای  
 شهر گریبانگیرش می‌شود. به ناچار  
 نامه‌ای منظوم به پدر نوشته و اجازه  
 مرخصی می‌گیرد. خود او این مطلب  
 را تحریر نموده بدین عبارت:

در خدمت آقا سلمه الله تعالی به  
 قره قوش رفته بودم و از فرقت  
 یاران و دوری دوستان دلتنگ  
 گشته، با این چند بیت که به  
 حضور آقا فرستاده، تقاضای  
 رخصت مراجعت کرده و وی  
 هم اذن فرموده، و ابیات این  
 است:

امروز دو روز است که اندر قره قوشم  
 در آتش هجرت چو خم باده به جوشم  
 هر ساعتی از هجر تو بر دیده چو سالیست

به تمکین و عزت به منبر نشست  
 فقیری پریشان دلی پای جست  
 به پیغمبر پاک دل در سؤال  
 برون کرد در سر عنان مقال  
 بفرمود شاهنشاه انس و جان  
 که باشد که او را به برد زبان  
 عطا دیده برخواست یعنی عمر  
 میان بسته امر نبی را کمر  
 برون برد و گفتش که اینک در آر  
 زبان را، فقیرش بنالید زار  
 علی آن شاهنشاه ملک کرم  
 به الهام باری بیرون زد قدم  
 بفرمود شاهنشاه ملک و دین  
 که با اینک اینک چه کار و چه کین  
 بگفتا که هادی راه رشاد  
 به قطع زبانش کنون حکم داد  
 بخندید شه گفت هین دست دار  
 نه این است فرمان آن شهریار  
 که با تیغ احسان بفرمود شه  
 بریدش زبان ای خطا کرده ره  
 هزار آفرین گفتش و مرحبا  
 که تو در صوابی من اندر خطا  
 و لولا علی هلك العمر  
 حدیثی است معروف از آن بی شمر  
 ز فتح الله ای شه دادگر  
 به روز قیامت مگردان نظر



یا آنکه فراق از رخ خدمت شده دوشم  
دل گویدم هر دم که شوم باز به کویت  
در خوف پدر لیک زبان بسته خموشم  
از حال دل خسته شده چند بگویم  
دانی که چه آید به سر اندر قره قوشم  
بیدار مرا دیده خونبار چو پروین  
از کیک بود تا به سحر جوش و خروشم  
از بوی قغ و کرمه دماغم شده ناخوش  
از صوت خر و گاو و کچی کر شده گوشم  
یا کُرک پر از کیک به یک گوشهء خانه  
از تیر تو گه شاد و گه از هجر تروشم  
چای سحرم چون متعفن شده آبی  
ناهار یکی داسز دوسز کله دوشم  
گر بخت مساعد شد و زین دهکده رفتم  
زین پس رخ من خاک در باده فروشم<sup>۲</sup>  
آقا محمد رضا حواشی و یادداشت  
هایی بر نسخه‌های خطی کتابخانه  
جدش نگاشته است. از جمله حاشیه  
هایی بر کتاب انس المنقطعین الی  
عباده رب العالمین از: جمال الدین  
ابی عبدالله محمد بن اسماعیل بن  
حسن معافی موصلی (۶۳۰)، که  
در سال ۱۳۳۶ به آن اشتغال داشته  
است. (نسخه ۴۳۰ مدرسه نمازی

(خوی)

در نسخه ش ۵۴۳ همان مدرسه  
نیز یادداشتی است بدین عبارت:  
«ولادت منور صبیبه آقا فتح الله  
شیخ الاسلام ۵ رمضان ۱۳۱۳».

### ادامه در شماره بعدی

موسسه مطالعات فرهنگی  
موسسه باستان‌شناسی و باستان‌نگاری  
موسسه باستان‌شناسی و باستان‌نگاری

پاورقی:

۱- بحر العلوم، علامه محمد حسن زنوزی. (نسخه عکسی نگارنده).

۲- حدیقه الشعراء، سید احمد دیوان بیگی، ج ۲، ص ۱۰۴۹.

۳- خاطرات امین الشرع خویی، ابوالقاسم بن اسد الله امام جمعه خویی ملقب به امین الشرع. (نسخه عکسی نگارنده).

۴- در باره ماموریت شیخ الاسلام خویی در این سفارت به مقاله «شیخ الاسلام خویی سفیر فتحعلی شاه قاجار» (منتشر شده در فصلنامه پیام بهارستان، نشریه کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۴، تابستان ۱۳۸۸ش) مراجعه شود.

۵- مثنوی معنوی، نسخه خطی ش ۳۹۰ مدرسه نمازی.